



مروری بر کتاب «از خودبیگانی انسان مدرن»

## در جست‌وجوی خویش

انسان‌ها همیشه مسأله اندیشمندان و متفکران جوامع بوده و تلاش کرده‌اند با بررسی تأثیری که جوامع بر انسان و

علی سلیمی

روزنامه‌نگار

برعکس می‌گذارد روایتی از موضع انسان در نسبت با جامعه داشته باشند. کتاب «از خودبیگانی انسان مدرن» دغدغه انسان معاصر دارد و نویسنده آن کوشیده با بررسی زوایای متفاوت این انسان او را در معرض واقعیت خویش قرار دهد.

در این اثر مولف آن کوشش کرده تصویری روشن از انسان از خودبیگانه شده در روزگار کنونی - که حقیقت را گم کرده و به هر دری می‌کوبد با در بسته روبه‌رو می‌شود - را به خواننده خویش نشان دهد تا از این رهگذر تلنگری و لو اندک بر پیکره این انسان سرگشته وارد آورد. بیان حقایق شاید به مذاق و کام بسیاری خوش نیاید و از این منظر این کتاب ممکن است کام هر خواننده‌ای را تلخ کند، زیرا او از شنیدن واقعیت‌های درباره خود فرار می‌کند، ولی در این کتاب نویسنده با چیره‌دستی و تسلط بر علم الاجتماع می‌کوشد تصویری

از عوامل مؤثر در از خودبیگانه شدن انسان مدرن ارائه کند. سرمایه‌داری افسار گسیخته اصلی‌ترین عاملی است که در این کتاب به عنوان مولفه مهم از خود بیگانه شدن یا به تعبیر فرنگی‌ها «الینه شدن» معرفی می‌شود؛ نظامی که در آن اصالت سود

محوریت دارد و تلاش شده این واقعیت عریان و بی‌پرده به خواننده نشان داده شود. سیستمی که بر پایه استثمار افراد برپا ایستاده زمینه دور شدن انسان‌ها از اصول انسانی را فراهم می‌کند و تبدیل به ابزاری برای رفاه صاحبان سرمایه شده است. انسان‌هایی که ابزار تولید و ثروت‌اندوزی سرمایه‌داران

هستند و هیچ کرامت و جایگاهی در جامعه ندارند. این کتاب که تالیف فریتز یاپنهایم است و مجید مددی آن را ترجمه کرده توسط نشر «بان» منتشر شده است و می‌خواهد در حکم آینه‌ای برای جوامع سرمایه‌زده عمل کرده و آنها را وادار به نگرستن در خویش کند. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «این طور به نظر می‌رسد که امروزه اعتماد و ایمان مانسبت به ماشین بسیار کمتر از گذشته شده است و حتی بسیاری از معاصران ما با پوزخندی به مفهوم پیشرفت واکنش نشان می‌دهند و این تغییر البته یک‌شبه اتفاق نیفتاد. حتی در گذشته که دستاوردهای فناوری مدرن با بوق و کرنا ستایش می‌شد، صداهای هشداردهنده و تردیدآمیزی نیز به گوش می‌رسید. اما در آن روزگار اتهام بر ضد ماشین کاملاً متفاوت بود با ادعای آنکه امروز علیه آن صادر می‌شود. در گذشته حمله به طور عمده از سوی کسانی صورت می‌گرفت که تأثیرات اقتصادی سریع جامعه بیشتر آشفته‌شان کرده بود تا تأثیرات شدید آن بر روح انسان‌ها.» به همین خاطر است که این کتاب انسانیت افراد را هدف گرفته تا نشان دهد اگر انسان به خویش فکر نکند چیزی نمانده که زیر چرخ‌های پرشتاب دنیای مدرن سرمایه‌سالار خرد شود! <sup>۱</sup>



چیزی که در مورد این سبک کتاب‌ها لازم است گفته شود، يك پایان‌بندی خوب است. این که شما بفهمید نتیجه خواندن و فکر کردن‌های اینچنینی چیست. چون تلاش کرده شما را با چیزی که درون‌تان هست روبه‌رو و با يك چالش مواجه کند

مروری بر کتاب «تخت‌خوابت را مرتب کن»

## تجربیات یک فرمانده برای تغییر زندگی

خواندن این مدل کتاب‌ها در ظاهر بسیار به حال شما بستگی دارد. گاهی در بدترین شرایط زندگی خود قرار دارید و هر نوع حرف از مقاومت و تلاش برایتان مسخره و بی‌معنی به نظر

زینب هاشمی

می‌آید. چون از نظر خودتان بقیه نمی‌دانند شما چه مسیری را طی و چقدر تا این لحظه تلاش کرده‌اید و حالا آنها فقط دارند يك مشت حرف را تحویل شما می‌دهند.

با خودتان فکر می‌کنید اگر در شرایطی که دلتان نمی‌خواهد هیچ حرف امیدوارکننده‌ای بشنوید این کتاب را بخوانید به خودتان می‌گویید «داره چرت می‌گه» ولی نکته‌ای که در این میان خیلی اهمیت دارد این است که «آن حرف‌ها بطور به شما گفته شود»، این که درد و تلاش شما نادیده گرفته شود و مطلقاً فقط حرف از امید و پیش رفتن و خسته نشدن بشنوید، حسی از عدم درك (شدن) را به شما منتقل می‌کند. حس می‌کنید به شما به چشم يك فرد تماماً ناامید نگاه می‌کنند، نه کسی که بعد از سختی‌های زیاد حالا فقط کمی باورش را از دست داده است ولی هنوز از ته دل برای راهی که آمده و تلاشی که کرده ارزش قائل است.

به نوع دیگر که انگار در تمام دنیا فقط این شما هستيد که به ناامیدی رسیده‌اید و نمی‌توانید از این مشکل سربلند بیرون بیایید. در اصل نادیده گرفتن واقعیت‌های فردی باعث می‌شود در شرایط ناامیدی هر حرفی از جنگیدن برایتان مسخره به نظر می‌آید.

چیزی که در نگاه اول شما را نسبت به خواندن این کتاب دودل می‌کند و باعث شك می‌شود این است که با خودتان می‌گویید «چه وجه اشتراکی بین من و یکی از دریاسالاران بازنشسته ارتش آمریکا وجود دارد که حرف‌های آن بتواند به من کمک کند؟ حتماً کتاب پر از شعارهای مسخره است.»

باید بگویم که بله! تمام فصل‌های کتاب شما را جذب نخواهد کرد. چون در نگاه اول مثال‌ها خیلی شخصی، موقعیت محور و خاص هستند و شما نمی‌توانید آنها را با شرایط خودتان مطابقت دهید تا متوجه شوید که

چه نکته‌ای را باید دریافت کنید.

نکته دیگری که در مورد این سبک کتاب‌ها حائز اهمیت است این که شما نه می‌توانید بگویید این کتاب اصلاً به درد من نخورد، چون در موقعیت نوع محیط و جاهای زیادی شما را به فکر واداشته و باعث شده است که موقعیت‌ها/ مسائل مختلفی از زندگی خود را به یاد بیاورید و تحلیل کنید. نه مطلقاً می‌توانید بگویید فوق‌العاده بود. چون شرایطی را بیان کرده که شما تا به حال آن را تجربه نکرده‌اید. پس یا دچار سردرگمی در امتیاز دادن می‌شوید و سعی می‌کنید فقط نظراتان در مورد بخش‌های دلخواهتان را بگویید یا نه باعث می‌شود منصفانه نظر بدهید.

برای این باید تا پایان کتاب صبر کنید و به یافته‌هایی که از آن داشته‌اید خوب فکر کنید. نظر من در مورد این کتاب با توجه به شرایطی که داشتم يك سردرگمی بود. آیا کتاب واقعا خوب بود یا بیهوده تلاش کردم که با آن ارتباط برقرار کنم؟

باید بگویم فصل آخر کتاب تردید من را از بین برد. مثل يك خلاصه‌نویسی عالی باعث شد من به تمام گفته‌های کتاب خوب فکر کنم. کار را برای این که بتوانم ارتباط بین نکته‌های گفته شده با مسائل شخصی خود را پیدا کنم، راحت کرد.

چیزی که به نظرم در مورد این سبک کتاب‌ها لازم است گفته شود، يك پایان‌بندی خوب است. این که شما بفهمید نتیجه خواندن و فکر کردن‌های اینچنینی چیست. چون تلاش کرده شما را با چیزی که درون‌تان هست رو به رو و با يك چالش مواجه کند. وقتی این تلاش اثر بخش خواهد بود که در آخر شما را رها نکند و به شما کمک کند که چطور می‌توانید راه خودتان را پیدا کنید.

ویلیام اچ. مک ریون، ژنرال بازنشسته نیروی دریایی آمریکا در کتاب تخت‌خوابت را مرتب کن، به بیان ده درسی که در تمرینات نیروی دریایی یاد گرفته، می‌پردازد: «چیزهای کوچکی که می‌توانند زندگی‌ات و شاید دنیا را تغییر دهند.»

موقع خواندن کتاب حتی با ملاحظه حس نفرت و انزجاری که نسبت به آمریکا و ارتش آن دارید، صرفاً به چشم تجربیات يك فرد نظامی به آن نگاه کنید. <sup>۲</sup>

